

برابری دیجیتال، کلید برابری آموزش مجازی

اینترنت پایدار و گوشی هوشمند، زیربنای عدالت در آموزش مجازی است و نبود این دو، نابرابری در تحصیل را تشدید می‌کند



گزارش روز

نابرابری دیجیتال

با گسترش آموزش مجازی در سال‌های اخیر، پلتفرم‌شاد به یکی از ابزارهای آموزشی مهم برای دانش‌آموزان و معلمان تبدیل شده است. با این حال، تجربه آموزش آنلاین برای همه دانش‌آموزان یکسان نبوده است. مشکلاتی مانند ضعف قطعی اینترنت، اختلال در برگزاری کلاس‌های مجازی و همچنین دسترسی نداشتن برخی دانش‌آموزان به گوشی تلفن هوشمند یا اینترنت پایدار، چالش‌هایی را به وجود آورده است که فراتر از مسائل آموزشی، پیامدهای اجتماعی نیز به همراه داشته است. این موضوع می‌تواند بر فرصت‌های یادگیری، احساس عدالت آموزشی، روابط اجتماعی دانش‌آموزان و حتی انگیزه آن‌ها برای ادامه تحصیل، تأثیر بگذارد؛ پیامدهایی که فراتر از کلاس درس، عدالت آموزشی و امید به آینده را هدف گرفته‌اند. در این گزارش به پیامدهای اجتماعی این چالش‌ها نگاهی انداخته ایم.

شکاف دیجیتال، بخشی از شکاف طبقاتی است

آن میزان از کمبود آموزش را که شیوه یادگیری آنلاین نمی‌تواند پوشش دهد، خود برعهده بگیرند. در اینجا بازم نقش عدالت اجتماعی بیشتر خود را نشان می‌دهد؛ چرا که والدین طبقات کم‌برخوردار، امکان کمتری دارند تا یارگر فرزندشان در میزان یادگیری باشند.

فرصتی برای سازگاری با تکنولوژی

امانی زوارم در بخش دیگری از صحبت‌های خود بر لزوم استفاده از تکنولوژی‌های جدید در آموزش تأکید می‌کند و می‌گوید: «باب آموزش آنلاین پس از شیوع کرونا در کشور باز شد و باید از همان زمان به این فکر می‌افتادیم که امکانات آموزش برخط را فراهم کنیم؛ چرا که گسترش اینترنت و زیرساخت‌های ارتباطی، ایجاد می‌کند از تکنولوژی جدید برای آموزش استفاده کنیم و شاید این بهانه‌ای باشد که نظام آموزش و پرورش، خود را با شرایط جدید تکنولوژیکی جهان سازگار کند.

وی ادامه می‌دهد: این تکنولوژی، فرصت‌های خوبی را برای استفاده از شیوه‌های جدید تدریس فراهم می‌کند. همچنین دانش‌آموزانی که دور یا نزدیک هستند، می‌توانند از این امکان برای آموزش دیدن استفاده کنند. بچه‌های شاغل هم بعد از اتمام زمان کار خود، آموزش آفلاین را دریافت می‌کنند. همچنین انعطاف‌پذیری زمان تدریس بیشتر می‌شود و می‌توان تکالیف متنوعی را به دانش‌آموزان داد. بنابراین اتفاقات مثبت زیادی می‌تواند در این وضعیت رخ دهد، مشروط بر اینکه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن تکمیل باشد.

این معلم یادآوری می‌کند: برای دسترسی به اینترنت پایدار، باید سیستم مخابراتی و فناوری کشور بهبود یابد. آموزش و پرورش هم در این میان وظیفه‌ای دارد؛ با این حجم از دانش‌آموزان، پلتفرم آموزشی شاد به تنهایی کافی نیست و وزارتخانه می‌تواند اجازه قرارگیری پلتفرم شاد در سرورهای استان‌ها را بدهد تا بتوانند مدیریت کنند و همه دانش‌آموزان در یک زمان واحد به یک سرور، متصل نباشند و مشکلات ترافیکی به وجود نیاید.

وی قدرت یک سیستم آموزشی را در سازگاری سریع با شرایط سیال و بحرانی می‌داند و می‌افزاید: وزارت ارتباطات باید زیرساخت‌های لازم را فراهم کند، بخش دانشگاهی و فناوری ما نیز باید نرم‌افزارها و تکنولوژی‌های آموزشی جدید ارائه دهند. آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند مسئله را مدیریت کند؛ زیرا یک موضوع کلان اجتماعی است.

بازتولید نابرابری طبقاتی از مسیر شکاف دیجیتال

برای این سؤال اگر جواب نگیرد، انگیزه یادگیری‌اش از بین خواهد برد، پس وابستگی آموزش به اینترنت و خانه، فقط برابری فرصت را حذف نمی‌کند؛ «امید به مدرسه» را هم کم می‌کند.

نودهی در بخش دیگری از صحبت‌های خود یادآوری می‌کند: بارها دیده‌ام دانش‌آموزی که در کلاس حضوری فعال بوده، در فضای مجازی کم‌کم ساکت شده است؛ نه به این دلیل که تنبیل شده، بلکه چون هر بار خواسته سؤال پرسد، ارتباط قطع شده، صدا نرفته یا پیامش، بی‌جواب مانده است. اگر این تجربه تکرار شود، دانش‌آموز به جای یادگیری، وارد حالت کنار آمدن می‌شود؛ فقط حضور اسمی، رد کردن ترم و تمام شدن جلسه. از سوی دیگر، معلم هم فرسوده می‌شود. او باید علاوه بر تدریس، مشکلات فنی را هم مدیریت کند، پیگیر غایب‌ها باشد و با اولیا، درگیر توضیح و دلجویی شود. نودهی که در کنار تدریس، در تألیف کتب درسی و طراحی سؤالات آزمون‌های سراسری نیز نقش داشته است، از معایب تغییر گاه و بی‌گاه تصمیمات می‌گوید: وقتی هر روز تصمیم‌ها عوض شود و دانش‌آموز نداند امتحانش چطور است، اضطراب زیاد می‌شود؛ خصوصاً برای پایه‌های نهم، یازدهم و دوازدهم. نتیجه آن تبدیل مدرسه از یک نهاد «منظم و قابل اتکا» به نهادی است که خانواده و دانش‌آموز با تردید به آن نگاه می‌کنند. به زبان ساده، مدرسه کم‌کم اثرگذاری‌اش را در ذهن دانش‌آموز از دست می‌دهد.

انزوی کودکان در آموزش مجازی

وی در پاسخ به این پرسش که «آموزش غیرحضوری، فراتر از افت درسی، چه تأثیری بر کارکرد «تربیتی» و «جامعه‌پذیرکننده» مدرسه گذاشته است»، بیان می‌کند: کافی است یک روز مدرسه حضوری را تصور کنیم؛ رنگ، صف، حضور و غیاب، تعامل با هم‌کلاسی، یاد گرفتن نوبت، رعایت قانون، همکاری، حتی حل اختلاف. این‌ها کتاب نیستند؛ تجربه‌اند. در فضای مجازی، بخش زیادی از این تجربه حذف می‌شود. دانش‌آموز ممکن است «محتوا» بگیرد، اما «زیست مدرسه» را از دست می‌دهد. این حذف برای همه یکسان نیست. دانش‌آموزی که خانواده توانمندتری دارد، ممکن است بیرون از مدرسه، کلاس، ورزش، گروه هم‌سالان و فرصت‌های دیگری داشته باشد. اما

در مناطق محروم یا خانواده‌های آسیب‌پذیر، مدرسه گاهی تنها فضای منظم اجتماعی کودک و نوجوان است. وقتی این فضا قطع می‌شود، بعضی بچه‌ها در انزوا می‌مانند، برخی دیگر زودتر وارد فضای کار می‌شوند و گروهی هم در فضای مجازی یا واقعی، بدون راهنما رها می‌شوند. اینجا سبب تربیتی، آرام و بی‌صدا اتفاق می‌افتد.

نودهی بیان می‌کند: در امتحان مجازی، نمره دیگر همان معنای سابق را ندارد. خیلی از معلم‌ها می‌گویند دانش‌آموزی که در کلاس حتی یک مفهوم را درست جواب نمی‌دهد، در آزمون آنلاین، نمره عالی می‌گیرد. چرا؟ چون کنار دستش کتاب قرار دارد، خانواده کمک می‌کنند، گروه‌های کلاسی، جواب را رد و بدل می‌کنند و حالا هم هوش مصنوعی کار را راحت‌تر کرده است. این فقط «قلب» نیست؛ مسئله این است که ما ابزار تشخیص را از دست می‌دهیم. وقتی نمره واقعی نباشد، نمی‌فهمیم چه کسی درس را یاد گرفته است و چه کسی نیاز به کمک دارد. دانش‌آموز با یک توهم پیشرفت، پیش می‌رود و مشکل در پایه‌های بالاتر یا در امتحان‌های جدی‌تر، خودش را با شدت نشان می‌دهد. یعنی ما صورت مسئله را زیبا می‌کنیم، ولی مسئله حل نمی‌شود.

وی تداوم این وضعیت را، عامل افت پنهان تحصیلی و حتی دور شدن برخی دانش‌آموزان از مدرسه می‌داند و توضیح می‌دهد: خطرناک‌ترین نوع افت همین «پنهان» بودنش است. ممکن است مدرسه گزارش دهد که کلاس‌ها برقرار بوده، تکالیف آمده، نمره‌ها هم بد نیست. اما وقتی دقیق‌تر نگاه می‌کنید، می‌بینید دانش‌آموز، از نظر سواد پایه (خواندن، نوشتن، فهم مطلب و حل مسئله) عقب مانده است. این عقب‌ماندگی در کوتاه‌مدت با نمره‌های قبولی فعلادیده نمی‌شود و یا کمتر محسوس است. در برخی مناطق، این افت به دوری واقعی از مدرسه هم می‌رسد. دانش‌آموز کم‌کم صبح‌ها بیدار نمی‌شود، کلاس را جدی نمی‌گیرد، بعد پیشنهاد کارهای ساده و درآمد‌های کوچک، و سوسه‌اش می‌کند. وقتی اقتصاد خانواده هم تحت فشار است و چشم‌انداز آینده مبهم، این وقایع سریع‌تر اتفاق می‌افتد. اینجا مدرسه فقط با «ترک تحصیل رسمی» رویه رو نیست، با «ترک تحصیل خاموش» رویه روست؛ دانش‌آموز هست، ولی عملاً نیست!

اقدامات عملی برای جلوگیری از تبدیل به شکاف آموزشی

نودهی معتقد است برای جلوگیری از تبدیل این شکاف آموزشی به شکاف پایدار در عدالت اجتماعی، قبل از هر چیز باید از «مدیریت روزمره بحران» عبور کنیم و چند کار مشخص و عملی انجام دهیم:

مقایله با خصوصی سازی ناعادلانه آموزش

جلوگیری از تقویت بازار آموزش خصوصی که خانواده‌های برخوردار را جلو می‌اندازد و خانواده‌های ضعیف‌تر را عقب می‌راند

تصمیم‌گیری مستمر و مدرسه‌بنیان

گرفتن تصمیم‌های قابل اجرا، متکی به واقعیت مدرسه و پیوسته (نه مقطعی)، برای حفظ عدالت آموزشی

بازطراحی نظام ارزشیابی

طراحی آزمون‌هایی که کمک‌گیری از خانواده و هوش مصنوعی را مهار کند تا نمره، اعتبار خود را از دست ندهد

حمایت همه جانبه از معلم

ارتقای مهارت‌های تدریس نوین معلمان و کاهش فشار کاری و تأمین امکانات مورد نیاز آنان

دسترسی همگانی به اینترنت و ابزار

تبدیل اینترنت پایدار و دستگاه مناسب به یک ضرورت عمومی مانند آب و برق، و به ویژه در مناطق محروم

برنامه‌های جبرانی هدفمند

اجرای طرح‌های واقعی (نه نمادین) برای جبران افت یادگیری دانش‌آموزان در دروس پایه